

دوفضیلت بزرگی

* تنها کسی که پیامبر پیمان اخوت با او بست، علی (ع) بود.

* چرا پیامبر (ص) دستور داد تمام درهائی که به مسجد بازمی شد جز در خانه علی (ع) ببندند؟! *

شون مختلف زندگی گردد .

آبهایی که پشت سدهای بزرگ به صورت دریاچه‌هایی جلوه می‌کنند، از پیوستن رودهای کوچکی به وجود آمده‌اند که به تنهایی نه قدرت تولید برق دارند، و نه چندان بسه درد کشاورزی می‌خورند، اما ازا اجتماع این رودهای کوچک، در يك نقطه، دریاچه‌ای درست می‌شود که قدرت تولید صدها هزار کیلووات برق در ساعت را دارد، و با آن هزاران هکتار زمین رامی‌توان زیر کشت در آورد، این منافع سرشار از کجا است؟ از بهم پیوستن قطرات کوچک رودهای ضعیف و ناچیز .

قدرت اتم برای همه روشن است، يك دانه اتم

اگر ما در هر مسأله‌ای از مسائل اجتماعی، شك و تردید کنیم، و یا برای اثبات آن، به تجربه و آزمایش و برهان و گواه نیازمند باشیم. در بساره لزوم اتحاد و همبستگی يك اجتماع و منافع سرشار آن، شك و تردید بخود راه نمی‌دهیم، و هرگز در جهان کسی را پیدا نمی‌کنیم که بگوید پراکندگی و دودستگی خوب و سودمند است، اتحاد و اتفاق بد و مضر می‌باشد.

زیرا کوچکترین سودی که از اتفاق عاید اجتماع می‌گردد، پیوستن نیروهای کوچک و پراکنده به یکدیگر است. و در سایه چنین پیوستگی، نیروی عظیمی بوجود می‌آید که می‌تواند مبدء تحولانی در

اسلام ، موضوع مذاکره و مشاوره در مسائل پیچیده به خوبی به چشم می‌خورد، و پیام الهی آن گروه از افراد را مردان حق جو و واقع بین معرفی می‌کند، که اساس کارهای آنان را موضوع مشاوره و تبادل نظر تشکیل دهد آنجا که می‌فرماید :

« **والذین استجابوا لربهم و اقاموا- الصلاة و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون** » (سوره شوری آیه (۳۸) : « کسانی که به ندای پروردگار خود پاسخ گفته و نماز را برپا می‌دارند ، و امور خود را با مشورت در میان خویش، انجام می‌دهند، و از آنچه که روزی آنان کرده ایم انفاق می‌کنند.»

اتحاد و پیوند برادری

اخوت اسلامی و پیوند برادری از اصول اجتماعی آئین اسلام است، پیامبر اسلام به صورت‌های مختلف و گوناگون در تحکیم و استوار ساختن این پیوند، کوشش‌هایی نموده است.

پس از ورود به مدینه، برای نخستین بار، پیوند برادری میان دو تیره اذنصار (اوس و خزرج) به وسیله پیامبر (ص) گره خورد. این دو قبیله که بومیان مدینه بودند، و سالیان درازی بایکدیگر نبرده داشتند، در سایه کوششهای پیامبر ، برادر هم شده و تصمیم گرفتند که گذشته‌ها را فراموش کنند هدف از این پیوند برادری، این بود که این دو گروه که ستون عمده ارتش اسلام را در برابر مشرکان تشکیل می‌دادند ، کشت و کشتار و ظلم و تعدی را که به یکدیگر در گذشته روا داشته بودند به دست فراموشی بسپارند و صلح و صفای جای گزین عداوت‌های دیرینه گردد.

قدرت و نیروی چندانی ندارد، و بقدری ضعیف و ناچیز است که حتی با قوی‌ترین میکروسکوپها نمی-توان آنرا دید، اما از بهم پیوستن اتم‌های بیشمار قدرتی بوجود می‌آید ، که انفجار چند عدد اذیبهای اتمی، می‌تواند بتمدن و زندگی بشر در روی زمین خاتمه دهد، در ظرف چند دقیقه کره زمین را بصورت توده‌ای از آتش و تلی از خاکستر درآورد .

شاعر شیرین سخن این حقایق را در ضمن چند بیت بیان کرده است . چنانکه می‌گوید :

غرض ذانجمن واجتماع جمع قوی است
چرا که قطره چو شد متصل بهم ، دریا است
ذقطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت
هر آنچه نفع تصور کنی در آن، آنجا است
ذقطره ماهی ، پیدا نمی‌شود، هرگز
محیط گشت ، ز آن، نهنگ خواهد خاست
زگندمی نتوان پخت نان و قوت نمود
چو گشت خرمن و خروار، وقت برگ و نوا است
ذفرد فرد محال است کارهای بزرگ
ولی ز جمع توان خواست، هر چه خواهی خواست
بلی چو مورچگان را وفاق دست دهد

به قول شیخ، هر بزرگیان ، اسیر وفا است !
نه تنها باید از نیروهای مادی و جسمی افراد در پیشبرد اهداف کمک خواست بلکه باید از قدرت فکری و معنوی افراد در گشودن مشکلات اجتماعی و برنامه ریزی‌های صحیح، استمداد نمود ، و از طریق مشاوره و تبادل افکار، راه و چاه را روشن ساخت و بر کوههایی از مشکلات پیروز گشت .

از این جهت در برنامه‌های اصیل و ارزنده آئین

لابد خواهید پرسید که تفاوت این دو نوع اخوت در چیست؟ جز این است که اولی در شعاع کوتاه و دومی در مقیاس وسیع انجام گرفته است؟

پاسخ این سؤال این است که تفاوت این دو نوع اخوت، منحصر به مسأله تعداد نیست، که اولی در مقیاس کوچکتر و دومی در شعاع وسیع تر انجام گرفته است. بلکه ریشه فرق، در ملاک و پایه برادری است، در اخوت جهانی که آیه دهم سوره حجرات ما را به آن دعوت می کند، ملاک و پایه اخوت، همان داشتن ایمان به خدا و رسالت زسول اکرم است، در حالی که اساس و پایه برادری در اخوت دیگر، علاوه بر اسلام، تجانس روحی و تشابه فکری، و کشش های درونی دونه فرمی باشد، از آنجا که اخوت و برادری هر فردی با فرد دیگر به تصویب پیامبر بوده است وی در تصویب برادری طرفین همفکری و تشابه روحی را در نظر می گرفت، سپس دو همفکر را برادر هم می خواند، و تشخیص پیامبر در این موضوع آن چنان صحیح و راستین بود که هر فردی از آنان با فردی که برادر شد، پیوسته در تمام صحنه های اجتماعی و سیاسی دوست و همکار یکدیگر بوده و مسیر هر دو یکی بود، و با ملاحظه زندگی کسانی که نام آنها را در بالا بردیم این حقیقت روشن می شود.

علی برادر پیامبر است :

دنباله سرگذشت اخوت گواه گفتار ما است هنگامی که پیامبر برای افرادی که در مسجد بودند؛ برادری تعیین نمود، علی (ع) در این موقع تنها ماند، و برای او کسی را تعیین نکرد. در این لحظه علی (ع)

برای بار دوم پیامبر گرامی (ص) دستور داد، یاران او اعم از مهاجر و انصار با یکدیگر برادر شوند، و هر کدام برای خود، برادری اتخاذ نماید در این اخوت چه بسا دو مهاجر با یکدیگر، و یا یکی از مهاجرین با یکی از انصار، عقد اخوت اجراء نموده، و دست یکدیگر را به عنوان برادری فشردهند و از این طریق يك نوع قدرت سیاسی و معنوی بر سر آنان سایه افکند.

مورخان و محدثان اسلامی می نویسد : روزی پیامبر (ص) برخاست و خطاب به یاران خود فرمود:
تَاخَوَافِي اِنَّهُ اَخُوِيْنِ اَخُوِيْنِ (در راه خدا دو تادوتا با هم برادر شوید).

تاریخ در این مورد از افرادی نام می برد که به فرمان پیامبر اکرم (ص) در آن روز با یکدیگر پیوند اخوت برقرار نمودند مثلا «ابو بکر» با «عمر»، «عثمان» با «عبدالرحمن بن عوف»، «طلحه» با «زبیر»، «ابی بن کعب» با «ابن مسعود»، «عمار» با «ابو حذیفه»، «سلمان» با «ابوالدرداء» و... پیوند برادری بستند.

اخوت و برادری این افراد به تصویب پیامبر رسید، این پیوند برادری، در میان افراد محدودی انجام گرفت، غیر آن اخوت همگانی و برادری اسلامی است که قرآن مجید آن را در مقیاس جهانی و در شعاع وسیع و گسترده ای تصویب نموده و تمام افراد با ایمان را اعم از گذشته و حالا، برادر هم خوانده است چنانکه می فرماید:

« اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اَخُوَةٌ » (سوره حجرات آیه ۱۰) (افراد با ایمان برادر یکدیگر هستند).

فکری و روحی نه تنها دو همفکر را به سوی هم می کشد بلکه گاهی دوفرد را شخص واحد نشان می دهد.

مسأله جذب و دفع، و اینکه هر موجودی هم جنس خود را جذب نموده و مخالف خود را دفع می کند، اختصاص به عالم اجسام و اجرام زمین و آسمانی و نظام شمسی ما ندارد، بلکه شخصیت های بزرگ جهان مظاهر جذب و دفع می باشند، گروهی را جذب و گروه دیگری را دفع می نمایند، این نوع کشش و گریز بر اساس سنخیت یا تضاد روحی بی ریزی شده است، و سنخیت و تضاد است که گروهی را دور هم گرد آورده و گروه دیگری را عقب می راند.

و از دورانهای دیرینه در فلسفه اسلامی می خوانیم «السَّخِيَّةُ عَلَةُ الْأَنْضَامِ»: (سنخیت و مشابهت، مایه اجتماع و انضمام اشیا است)

فضیلت دیگر برای امام

همزمان با این فضیلت، تاریخ فضیلت دیگری را برای امام ضبط کرده است و آن اینکه یاران پیامبر در اطراف مسجد رسول خدا خانه هایی ساخته و یکی از درهای خانه ها، به مسجد بازمی شد.

پیامبر گرامی به فرمان خدا دستور داد که تمام درهایی که به مسجد بازمی گردد، بسته شود جز در خانه علی بن ابی طالب؛ و این مطلب برای بسیاری از یاران خدا گران آمد، از این جهت پیامبر بالای منبر قرار گرفت و چنین فرمود:

بسادیدگان اشک آلود حضور پیامبر رسید و گفت: برای هر فردی از یاران خویش، برادری تعیین کردی، ولی میان من و کسی پیونداخوت برقرار نفرمودی! در این لحظه پیامبر اکرم جمله تاریخی خود را که مبین مقام و موقعیت علی از نظر روح و فکر و قرب و نزدیکی او نسبت به پیامبر اکرم است، القاء نمود و فرمود:

أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَالَّذِي
بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا أَحْرَقَكَ إِلَّا لِنَفْسِي أَنْتَ
أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (۱)

(تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی، به خدائی که مرا بحق برانگیخته است، من کار برادری تو را به عقب انداختم که ترا برای خود برادر انتخاب کنم، اخوتی که دامنه آن هر دو جهان را فراگیرد.)

این جمله موقعیت علی را نسبت به پیامبر از نظر معنویت و پاکی، از نظر اخلاص در اهداف دینی، به خوبی روشن می سازد و از میان دانشمندان اهل تسنن مؤلف «الرياضُ النَّصْرَةُ» به این حقیقت کاملاً اعتراف نموده است (۲).

از این جا پایه تفسیر آیه «مُبَاهَلَةٌ» (۳) به دست می آید. دانشمندان تفسیر به اتفاق کلمه می گویند مقصود از جمله «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» همان هلی بن ابی طالب (ع) است که قرآن مجید او را «نفس پیامبر» و خود او شمرده است زیرا تجاذب

۱ - مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۴، استیعاب ج ۳ ص ۳۵

۲ - ج ۲ ص ۱۶ نگارش محب الدین الطبری

۳ - سوره آل عمران آیه ۶۱

و بی اساس باشد ولی هر نوع تبعیضی که روی ملاک انجام گیرد، عین عدالت است.

زیرا تفاوتی که میان علی و دیگران وجود داشت این بود که ارتباط علی با مسجد هیچ وقت قطع نشده بود، و او خانه زاد خدا بود و در کعبه دیده به جهان گشوده بود، بنابراین مسجد از روز نخست خانه او، و وی فرزند آن خانه بود، و ایسن موقعیت برای هیچکس دیگر دست نداد.

گذشته از این بیان؛ ممکن است این کار انگیزه دیگری نیز داشته باشد، و آن آنکه علی (ع) بطور مسلم در هر حال رعایت شئون مسجد را می نمود ولی دیگران کمتر می توانستند که شئون مسجد را آن طور که باید و شاید رعایت نمایند.

خداوند بزرگ به من دستور داده است که تمام درهائی که به مسجد بازمی گردد، ببندم، جز در خانه علی، و من هرگز از پیش خود به بسته شدن دری و یا بازماندن آن دستور نمی دهم، من در این مسائل پیرو فرمان خدا هستم (۱)

آن روز تمام یاران رسول خدا این موضوع را فضیلت بزرگی برای علی تلقی کردند تا آنجا که خلیفه دوم بعدها می گفت: ای کاش سه فضیلتی که نصیب علی گردید؛ نصیب من شده بود، و آن سه فضیلت عبارتند از اینکه پیامبر دختر خود را در عقد علی در آورد، تمام درهائی که به مسجد بازمی شد، بست جز در خانه علی، و در جنگ خیبر پرچم را به دست علی داد (۲). هرگز نباید این کار را یک نوع تبعیض ناروا شمرد زیرا آن نوع تبعیض، ناروا و محکوم است که بی جهت

جاویدمان وزنده ابر شهر علم و دین

ای جذبه و خلوص و صفای تو چشمگیر
در پهنه تو دانش و دین داده بارعام
دارد همیشه شیعہ ز تو چشم رهبری
تا هر کجا به شیعہ و مسلم تو خون رسان
صبح تو روح تازه کن و نشئه آور است
شویند گسرد کوردلی در زلال تو
کوچند سوی تو، که تویی خانه امان
تو آشیان بخت سپیدی، مگر نه ای؟
جاویدمان وزنده ابر شهر علم و دین
از: درخشنده کاظم زاده

ای باغ بی خیزان خدا در دل کویر
ای در تن تو خفته تن خواهر امام
ای کشتزار خرم آئین جعفری
ای در تن تو شاهرگ و قلب شیعیان
«شبهای تو بروشنی از روز برترست»
آیند مردم از همه سوساخیال تو
بر مردمان رسد چو شب آخر الزمان
تو چلچراغ قصر امید، مگر نه ای؟
ای قم تویی تو سنگ مردان راستین

۱ - مستند امام احمد ج ۴ ص ۳۶۹ - مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۲۵ - الریاض النضره ج ۳ ص ۱۹۲ و ...

۲ - مستند احمد ج ۲ ص ۲۶